



تأثیر و تأثر متقابل فرهنگ و ادبیات در اشعار مقاومت بشری البستانی و طاهره صفارزاده

بهنام فعلی^۱ 

^۱ استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. fealibehnam@gmail.com

چکیده

بدون شک شعر و ادب فارسی و عربی از دیر باز با صور خیال درآمیخته و آشنا بوده است. صور بلاغی شامل تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه است و بیش از هزار سال است که شاعران را در شعر، با خود، آشنا و مأنوس ساخته است. در همهٔ سبک‌های شعر کهن و معاصر، بسامد بالای کاربرد صور خیال را می‌توان مشاهده نمود. صور خیال یا همان تصاویر ادبی که به‌وسیلهٔ قوه خیال خلق می‌شوند به دو دستهٔ صور مفرد و صور مرکب تقسیم می‌شوند. در پژوهش حاضر که با رهیافت توصیفی - تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است، ابتدا به تعریفی از ادبیات تطبیقی، ادبیات پایداری، زندگینامه بشری البستانی و طاهره صفارزاده پرداخته شده و سپس نمونه‌هایی از شواهد شعری مربوط به تشبیه و استعاره و کنایه در اشعار این دو شاعر استخراج شد و مشخص گردید که این دو شاعر از سه فنّ مذکور برای بیان مفاهیم مربوط به پایداری و مقاومت و سایر مؤلفه‌های مطرح در ادبیات تطبیقی استفاده کرده‌اند.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی صورخیال در اشعار بشری البستانی و طاهره صفارزاده.
۲. بررسی رابطهٔ فرهنگ و ادبیات پایداری در اشعار بشری البستانی و طاهره صفارزاده.

سؤالات پژوهش:

۱. صور خیال چه جایگاهی در اشعار بشری البستانی و طاهره صفارزاده دارد؟
۲. رابطهٔ فرهنگ و ادبیات پایداری در اشعار بشری البستانی و طاهره صفارزاده چگونه است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۲

دوره ۲۰

صفحه ۵۹۵ الی ۶۰۷

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۷/۲۶

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۱۰/۱۸

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱

کلمات کلیدی

ادبیات تطبیقی،

ادبیات پایداری،

صور خیال،

بشری البستانی،

طاهره صفارزاده.

ارجاع به این مقاله

فعلی، بهنام. (۱۴۰۲). تأثیر و تأثر متقابل فرهنگ و ادبیات در اشعار مقاومت بشری البستانی و طاهره صفارزاده. مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۵۲)، ۵۹۵-۶۰۷.



[dori.net/dor/20.1001.1.1735708.1402.20.52.16](https://doi.org/10.22034/IAS.1735708.1402.20.52.16)



dx.doi.org/10.22034/IAS.2021.27255.1540

مقدمه

شعر دوران انقلاب و جنگ تحمیلی، از دوره‌های پر افتخار شعر فارسی به‌شمار می‌رود. مقاومت مردم انقلابی ایران و ایثارگری‌های رزمندگان هشت سال دفاع مقدس مضمون شعر شاعران متعهد قرار گرفته است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان بهترین اشعار حماسی را در سروده‌های این دوره جست‌وجو کرد. این امر در مورد شعر عراقی نیز کاملاً صدق می‌کند و شاعران آن دیار نیز به‌خوبی از اوضاع خفقان‌بار حاکم بر جامعه خود استفاده کردند و به انعکاس مضامین مقاومت در شعر پرداختند. ادبیات مقاومت بیانگر خواسته‌های گروهی و آرمان‌های وطن می‌باشد.

ادبیات به‌عنوان یک فعالیت ذهنی اساسی نقش مهمی در شکل‌گیری شهروندان آگاه و دموکراتیک ایفا می‌کند. این فعالیت به افراد کمک می‌کند تا با واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی خود آشنا شوند و به نقد و بررسی آن بپردازند. درواقع، ادبیات می‌تواند به تقویت هویت فرهنگی و اجتماعی کمک کند و زمینه‌ساز گفت‌وگوهای اجتماعی شود. در رابطه با تأثیر و تأثر میان فرهنگ و ادبیات باید گفت ادبیات و فرهنگ دو عنصر اساسی در شکل‌گیری هویت انسانی و اجتماعی هستند که تأثیرات متقابل و عمیقی بر یکدیگر دارند. فرهنگ به‌عنوان یک مجموعه از باورها، ارزش‌ها، آداب‌ورسوم، به‌طور مستقیم بر ادبیات تأثیر می‌گذارد و ادبیات نیز نه‌تنها بازتاب‌دهنده فرهنگ یک جامعه است، بلکه به‌عنوان یک ابزار برای انتقال و ترویج آن نیز عمل می‌کند. آثار ادبی می‌توانند نشان‌دهنده ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی یک ملت باشند و به تفسیر و تحلیل این ویژگی‌ها کمک کنند. ادبیات تطبیقی با رویکرد، تأثیر و تأثرهای متقابلی که فرهنگ و ادبیات ملل مختلف بر یکدیگر داشته‌اند، میزان تأثیر و تأثر ادبیات عربی و فارسی از همدیگر، امری است که بر هیچ محقق کاوشگری در عرصه ادبیات فارسی و عربی پوشیده نیست. در همین راستا، نام دو شاعر خوش ذوق فارسی و عربی، طاهره صفارزاده «شاعر معاصر ایرانی» و بشری البستانی «شاعر مقاومت عراقی» در شعر معاصر عربی می‌درخشد؛ شاعرانی که در مجموعه‌های شعری خود به مفهوم مقاومت سرزمین‌شان توجه زیادی داشته‌اند و همواره با رویکرد آگاهی‌بخشی به ملت، دفاع در برابر مظلوم، استعمارستیزی، آزادی‌خواهی، بیداری اسلامی، عدالت‌جویی، ظلم‌ستیزی، ملی‌گرایی در راه مرزوبوم خویش به رسالت شعری خویش پایبند بوده‌اند و با عناصر تصویرگری شعری بدان مفاهیم پایداری رنگ و لعاب تازه‌ای داده‌اند. در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی و تحلیل محتوای کیفی و بهره‌مندی از منابع کتابخانه‌ای، پس از اشاره به پیوندهای ادبی و فرهنگی نزد زنان ایران و عراق، بارزترین صور بلاغی در اشعار مقاومت این دو شاعر ذکر و بررسی شده است.

از آنجاکه این پژوهش به‌دنبال بررسی اشعار مقاومت بشری البستانی و طاهره صفارزاده است، ضروری می‌نماید به ذکر پژوهش‌هایی پرداخته شود که حول زندگی یا اشعار هریک از این دو شاعر پرداخته‌اند که مهم‌ترین این مقالات عبارت‌اند از: کاظمی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بازتاب ادبیات پایداری در شعر شاعران معاصر با تأکید بر شعر خانم طاهره صفارزاده، سپیده کاشانی و سیمین دخت وحیدی»، به بررسی موضوعی با این محوریت پرداخته است. زارعی (۱۳۹۳) در مقاله «انقلاب در شعر طاهره صفارزاده»، به بررسی این موضوع پرداخته است. او بر آن است

که استبداد، فساد سران حکومت و غربزدگی و جامعه دور از مضامین دینی و فقر سه جلوه بحران سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی که در شعر صفارزاده به تصویر کشیده می‌شوند. گسست از مبانی اسلامی و حقانیت مذهبی، تبعیض و استعمار را می‌توان علت نابسامانی دانست. در مقابل این بحران‌ها وی از آرمان‌هایش سخن گفت و در مقابل استبداد، آزادی، در مقابل فقر و تبعیض، عدالت و در مقابل باطل و جامعه‌ای عاری از مضامین دینی، حق و حکومتی بر مبنای اسلام را آرزو کرد. برای تحقق این آرمان‌ها نیز به تغییرات اساسی به شیوه انقلابی معتقد بود.

اصلانی و کهوری (۱۳۹۵) در «مظاهر ادب المقاومة فی شعر بشری البستانی» چنین نتیجه گرفتند که این شاعر در آثار وزین خود ارزش‌های بیانی و زیبایی‌شناختی والایی در گستره ادبیات پایداری و ادبیات عرب برجای نهاده است. بستانی در هیاهوی «صدای گلوله و مواد منفجره» به دردهای امت خویش پرداخته تا وجدان خفته مردم خویش را بیدار و آن‌ها را به رهاکردن ترس و درنوردیدن مشکلات در رویارویی با دشمن تشویق کند. بستانی در اعماق مسائل ملت عربی فرو می‌رود و زخم خود را با زخم سرزمین مادری و ملت عربی درهم می‌آمیزد تا بیانگر عشقی به آن‌ها باشد، که بر خواننده آشکار و ممزوج با درد، آرزو و خوش‌بینی به وطن و امت عربی است. غنی‌پور و خلیلی (۱۳۹۱) در مقاله «تحلیل مؤلفه‌های ادبیات پایداری در اشعار طاهره صفارزاده» به بررسی موضوع پایداری در شعار طاهره صفارزاده پرداخته است. پژوهش آخر نیز مقاله «واکاوی مسئله زن در گفتمان شعری بشری البستانی» نوشته عزت ملاابراهیمی و حسین الیاسی چاپ شده در نشریه زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان) است. نویسندگان در این مقاله به این نتیجه رسیدند که بشری بستانی در آثار شعری خود به موضوع زن به‌منزله ساختاری قومی - تمدنی پرداخته است. وی در شعر خویش به دفاع از حقوق زن پرداخت و با وام‌گیری از بزرگانی چون جبران و ابن‌عربی و دیگران و با رد مردسالاری و مرگ فرهنگی اجتماعی زن، بر ایجاد توازن بین زن و مرد و رساندن جامعه به رشد و پیشرفت از این طریق همت گمارد. بشری در گفتمان خویش برای بیان ایدئولوژی‌هایش زبانی آمیخته به سنت را به کار گرفت و با استفاده از واژگان نقش‌گرا و تصاویر فنی در پی تغییر بود. همان‌طور که مشاهده می‌شود در هیچ یک از پژوهش‌های مذکور، نویسندگان به بررسی تطبیقی صور بلاغی در اشعار مقاومت بشری البستانی و طاهره صفارزاده نپرداخته‌اند.

۱. ادبیات تطبیقی

تطبیق در لغت به معنای مقایسه کردن، کنار هم نهادن دو شیء یا چند موضوع جهت بررسی از نظر فکری، محتوایی، فنی، زیبایی، کیفی، کمی، تاریخی و... می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل واژه تطبیق). از دیدگاه ولک و وارن، «ادبیات تطبیقی مطالعه اثرپذیری و اثرگذاری و نیز بررسی روابط ادبی بین دو یا چند ملت است» (ولک و دیگران، ۱۳۷۳: ۴۲). هدف ادبیات تطبیقی، ضمن مشخص کردن پیوندهای کلی میان ادبیات جهان، شناخت میزان نفوذ هر عنصر ادبی است. بنابراین، رسالت ادبیات تطبیقی عبارتست از: تشریح خط سیر روابط و پیوندهای ادبی و بخشیدن روح تازه و شاداب به آن‌هاست. ادبیات تطبیقی قادر است از طریق شناساندن میراث‌های تفکر مشترک به تفاهم و دوستی ملت‌ها کمک مؤثری بکند و علاوه بر آن، ادبیات تطبیقی زمینه را برای خروج ادبیات بومی از انزوا و عزلت فراهم می‌کند و

آنرا به عنوان جزئی از کل، بنای میراث ادبی جهان را در معرض افکار و اندیشه‌ها قرار می‌دهد (غنیمی هلال، ۱۳۷۵: ۴۳).

۲. ادبیات مقاومت

ادبیات پایداری عبارت است از آثاری که تحت تأثیر شرایطی چون اختناق و استبداد داخلی، نبود آزادی فردی و اجتماعی، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی با پایگاه‌های قدرت، غضب، قدرت و سرزمین و سرمایه‌های ملی و فردی و ... شکل می‌گیرند؛ بنابراین جان‌مایه این آثار با بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی از همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی است. ولی این مفهوم در انقلاب اسلامی ایران با یک فاصله زمانی کوتاه آغاز شد و با پذیرش قطعنامه در ۲۷ تیرماه ۱۳۶۷ ش همراه با خود جریان نیرومند فرهنگی در حوزه شعر، قصه، نقاشی و ... را به وجود آورد. مطالعه، تحلیل، تبیین، بررسی، نقد، شناخت و بازیافت این حادثه عظیم در همه ابعاد بایسته و ضروری است (سنگری، ۱۳۸۰: ۹/۱)؛ بنابراین آنچه را که در خلال این بررسی‌ها به صورت سروده‌ها و نوشته‌هایی به کار رفته به نوعی همدلی میهنی یا قومی در برابر تجاوز طبیعت در پی دارد که به عنوان ادبیات پایداری مطرح هستند. به عبارتی ساده‌تر، سروده‌ها و نوشته‌هایی که موضوع اصلی آن دعوت مردم به مبارزه و پایداری در برابر متجاوزین بود، تحت عنوان ادبیات پایداری شناخته می‌شوند (کاکایی، ۱۳۸۰: ۹). مهم‌ترین مضامین ادبیات مقاومت عبارت‌اند از: ترسیم چهرهٔ مظلوم و ستم‌دیده مردم، ستایش سرزمین خود، ستایش آزادی و آزادگی، بزرگداشت مقام شهیدان، بیان ظلم و بی‌عدالتی، امیدوار کردن مردم به پیروزی.

۳. زندگی‌نامه بشری البستانی

بشری البستانی یکی از شاعران زن عراق می‌باشد که در جنبش‌های فرهنگی و ادبی توانست به دستاوردها و نوآوری‌های مهمی دست پیدا کند که حاصل تجربهٔ اجتماعی و فرهنگی شاعر با تجربه زندگی روزمره وی می‌باشد. وی در سال ۱۹۴۹ در شهر موصل متولد شد و از اوایل دوران کودکی به دنبال مطالعه و کتاب بود و برای مطالعه به همه جا سرک می‌کشید.

آثار شعری بشری البستانی عبارت‌اند از: مابعد الحزن، الأغنییة و السکین، أنا و الأسوار، زهر الحقائق، أقبل کف العراق، البحر یصطاد الضفاف، الأعمال الكاملة. علاوه بر این موارد، برخی از کتاب‌های شعری بشری البستانی به انگلیسی ترجمه شده است؛ از آن جمله کتاب «شعر معاصر من العراق لبشری البستانی» در سال ۲۰۰۹ میلادی توسط وفاء عبداللطیف و سناء الظاهر ترجمه شد و انتشارات میلن پرس آن را منتشر کرد، و نیز مجموعه شعری «أندلسیات لجروح العراق» به زبان‌های انگلیسی و فرانسوی و اسپانیایی ترجمه شده است (البستانی، ۲۰۱۱: ۶۴۵).

۴. زندگی‌نامه طاهره صفارزاده

طاهره صفارزاده شاعر، نویسنده، محقق و مترجم در ۲۷ آبان ۱۳۱۵ در سیرجان در خانواده‌ای متوسط که پیشینه‌ای عرفانی داشتند متولد شد. وی حدود ۱۶ سال بدون هیچ‌گونه چشمداشت مادی سرپرست اجرایی این طرح بود و ۱۲ سال از آن مدت را به‌ویژه در ویراستاری متون علمی برای کتاب‌های تخصصی - مشهور به کتاب‌های «سمت» - فعالیت مؤثر داشت. ۳۶ عنوان از آن کتاب‌ها برخوردار از ویراستاری اوست (رفیعی، ۱۳۸۶: ۴۸). مجموعه‌ی آثار طاهره صفارزاده به ترتیب به زمانی به شرح ذیل می‌باشد: پیوندهای تلخ، رهگذر مهتاب، چتر سرخ، آیووا، طنین در دلتا، سد و بازوان، سفر پنجم، حرکت و دیروز، بیعت با بیداری، مردان منحنی، دیدار با صبح، کودک قرن، در پیشواز صبح.

۵. صور بلاغی

صور خیال، زیربنا و شالوده اصلی شعر است که بدون آن شعر از شعر بودن خارج شده و به نوشته‌ای معمولی تبدیل می‌شود. صور خیال شامل آرایه‌های ادبی متعددی است از جمله (تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه) که هر کدام به‌نوبه خود در زیباسازی ساختمان شعر اثرگذار می‌باشد و به شعر ارزش و اعتبار می‌بخشد. همچنین نوع به‌کارگیری صور خیال در اشعار شاعران بسته به محیط زندگی اجتماعی و نیز افکار شخصی و سبک و دوره‌ای که شاعر در آن زندگی می‌کرده متفاوت است. گاهی شاعر با به‌کاربردن صور خیال دنیایی ابداع می‌کند که بهتر از آن‌چه که هست به‌نظر می‌رسد. گاهی که شاعر، قلم به‌دست می‌گیرد قیامتی بر پا می‌کند که از آن به رستاخیز کلمه‌ها یاد می‌کنند. از آنجاکه صور بلاغی در بخش علم بیان مطرح می‌شوند، لازم است که توضیح کوتاهی از علم بیان نیز ارائه گردد.

۶. علم بیان

علم بیان عبارت است از: مجموعه‌ی قواعد و قوانینی که به‌وسیله آن‌ها می‌توان یک معنی را به گونه‌های متعدد بیان کرد؛ به شرط آن که این شیوه‌های گوناگون، در میزان روشنی و پوشیدگی با یکدیگر متفاوت باشند و این تفاوت، مبتنی بر تخیل باشد؛ بنابراین، موضوع علم بیان، بحث در «صورت‌های متفاوت خیال» است؛ زیرا این صور وسایلی هستند که با آن‌ها می‌توان یک مفهوم را به شیوه‌های گوناگون بیان کرد، که در ادبیات فارسی و عربی از عوامل مهم خیال‌انگیزی شعر هستند. در علم بیان، یک معنی واحد به تعبیرات مختلفی ادا می‌شود که این تعبیر مختلف باعث زیبایی و جذابیت سخن می‌شوند. همین آرایه‌های علم بیان، زیورها و خلخال‌های عروس سخن هستند، که با آرایش کلام با این آرایه‌ها، سخن دلنشین‌تر می‌گردد. حوزه علم بیان، ادبیات و شعر است، نه زبان؛ هرچند ممکن است در زبان عامیانه و محاوره و روزمره، ظرایف بیانی دیده شود که در آن صورت باید گفت که شعر و ادبیات وارد حوزه زبان شده است. صورت‌های مختلف علم بیان عبارتند از: تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه.

۷. صور بلاغی در اشعار بشری البستانی و طاهره صفارزاده

۷.۱. تشبیه

تشبیه در لغت به معنی چیزی را به چیز دیگر مانند کردن و در اصطلاح یعنی مقایسه و کشف و یادآوری شباهت یا شباهت‌هایی بین دو چیز یا دو امر متفاوت. این کشف حاصل دقت و ذوق و قریحه شاعر یا نویسنده است (وفایی، ۱۳۹۱: ۲۸۷). به‌طور کلی باید گفت تشبیه مانندکردن چیزی است به چیزی دیگر، به شرطی که این ماندگی براساس قوه تخیل باشد؛ یعنی باید در تشبیه، زمینه‌ای از اغراق که از تخیل کلام ریشه می‌گیرد وجود داشته باشد؛ تشبیه چهار عنصر دارد: مشبّه، مشبّه‌به، وجه‌شبه و ادات تشبیه. از میان این چهار رکن مشبّه و مشبّه‌به را ارکان یا طرفین تشبیه می‌نامند. حضور این دو رکن برای برقراری رابطه تشبیهی یا ماندگی، لزومی است؛ حال آن‌که می‌توان دو عنصر دیگر، یعنی وجه‌شبه و ادات تشبیه را در کلام نیاورد. تشبیهی که ادات در آن ذکر شده باشد تشبیه «مرسل» (ساده، مظهر، صریح)، و تشبیهی که ادات آن حذف شده باشد «مؤکد» (محذوف الادات، استوار)، نامیده می‌شود. غنای تصویری و تخیلی تشبیه مؤکد، از مرسل بیشتر است؛ زیرا غرض اصلی از تشبیه، عینیت بخشیدن به دو چیز مختلف است. در راستای کاربست این فن بلاغی بشری البستانی چنین گفته است:

«تَرَكُضُ الْأَرْضُ وَرَاءَ الْأَفْقِ / تَطَائِرُ شَرَارَةُ كُرَّةِ الْقَلْبِ / وَ تَنْفُتُ طُرُقُ السَّمَاءِ / تَهْبِطُ النَّازِعَاتُ النَّاشِطَاتُ السَّابِحَاتُ / وَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ» (البستانی، ۲۰۰۲: ۱۰۰)

ترجمه: «زمین شتابان در پس افق محو می‌شود/ دلی از هوا و هوس شراره می‌افکند/ و راه‌های آسمان گشوده می‌شود/ فرود می‌آیند فرشتگانی که به شدت جان کافران را می‌گیرند، فرشتگانی که به آسانی جان مؤمنان را می‌گیرند، فرشتگانی که برای اجرای فرمان حق به سرعت نازل می‌شوند/ و روزی که لرزاننده همه‌چیز را به شدت می‌لرزاند».

تحلیل: در ابیات فوق بشری البستانی برای ترسیم خوف و هراس بسیار شدیدی که بر جامعه مستولی شده است، دشمن را به «النَّازِعَاتُ» و «النَّاشِطَاتُ» و «السَّابِحَاتُ» تشبیه کرده است با این توجیه که دشمن همچون «النَّازِعَاتُ» آماده گرفتن جان وی و هموطنانش است و همین امر بیش از پیش موجبات ترس و نگرانی مردم را فراهم می‌کند. تشبیه در این نمونه شعری از نوع تشبیه بلیغ است؛ زیرا شاعر ادات تشبیه و وجه‌شبه را ذکر نکرده و قصدش از این اقدام نیز تأکید بر این همانندی است تا بیش از هر چیز بر این هول و هراس حاکم بر جامعه و خطری که جان مردم را تهدید می‌کند، تأکید کند. همچنین باید گفت از نظر تعدد در نوع تشبیه باید گفت تشبیه مذکور از نوع تشبیه جمع است؛ به این دلیل که یک مشبّه و چند مشبّه‌به در جمله وجود دارد. وی به‌عنوان انسانی وطن‌پرست خطاب به سرزمین مادری خود چنین سروده است:

«حُذْنِي... حُذْنِي / يَا وَطَنًا يَنْزِفُ فِيَّ وَ أَنْزِفُ فِيهِ / دَثِّرْنِي بِالصَّفْصَافِ / وَ بِالْيَقْطِينِ / هَذَا الشَّعْبُ يَدْعِي أَيُّوبَ / أَبْصَرَ كَيْفَ يَمُوتُ / ضَلْعًا ضَلْعًا / وَ يَضِيقُ بِالتَّابُوتِ» (البستانی، ۲۰۰۲: ۲۳۵).

ترجمه: «مرا بگیر... مرا بگیر/ ای وطنی که در من جاریست و من در او جاری هستم/ مرا با درخت بید بپوشان/ و با برگ کدو/ این ملتی که خود را ایوب می‌داند/ دانست که چگونه جان می‌دهد/ اندک اندک/ و تابوت بر آن‌ها تنگ شده است».

تحلیل: شاعر در نمونه مذکور، مردم سرزمین خود را به حضرت ایوب تشبیه کرده است؛ این تشبیه از نوع بلیغ است؛ زیرا مشبه و مشبه‌به در آن حذف شده و با این امر بر میزان همانندی بیشتری تاکید دارد؛ به همین دلیل می‌توان گفت که شاعر قصد دارد از این رهگذر به صبوری بیش از حد در مردم عراق اشاره کند. همان‌طور که مشاهده می‌شود در این نمونه‌های شعری بشری البستانی به‌خوبی از فن تشبیه برای بیان مضامین وابسته به ادبیات پایداری استفاده کرده است. ناگفته نماند که این تشبیه از نوع تشبیه مفرد است؛ به این دلیل که تنها یک مشبه و یک مشبه‌به دارد و این امر سبب وضوح معنا و سهولت فهم آن از سوی مخاطب شده است.

صفارزاده در ابیات ذیل از فن تشبیه بهره برده و چنین سروده است:

پیش شما که لشکر صبرید

لشکر صبر ایوب

لشکر صبر طالوت

جالوت را خواهد شکست

بنای یادبود جهالت

بنای یادبود رهایی خواهد شد (صفارزاده، ۱۳۵۷: ۱۹۵)

تحلیل: شاعر در این ابیات مردم سرزمین خود را لشکر صبر تشبیه کرده است؛ در اینجا نیز تشبیه ذکر شده از نوع تشبیه بلیغ است و به‌دلیل عدم ذکر مشبه و مشبه‌به از بالاترین میزان تأثیر برخوردار است. وی با این تشبیه قصد دارد که علاوه بر اشاره به میزان صبر هموطنان خود، آن‌ها را به استمرار در داشتن این صفت پسندیده و مزین شدن به آن تشویق کند. این تشبیه نیز به این دلیل که تشبیه مفرد است، از وضوح فراوانی برخوردار است و مخاطب به‌خوبی این همانندی را درک می‌کند و مفهوم پایداری را نیز به‌وضوح تشخیص می‌دهد.

پس از بررسی نمونه‌های شعری ذکر شده در این مجال باید گفت که هر دو شاعر تأثیر به‌سزایی از فرهنگ دینی پذیرفته‌اند و به‌نوبه خود بر یکدیگر نیز تأثیر نهاده‌اند؛ به این صورت که فرهنگی دینی آن‌ها و نیز متن قرآن کریم بر آن‌ها تأثیر گذاشته است و هر دو از تعبیر و واژگان قرآنی برای بیان تشبیهات خود به‌خوبی بهره گرفته‌اند. استفاده از واژگانی مانند نازعات، ناشطات و سباحات و نیز عبارت «ترجف الراجفة» و همچنین ذکر نام افرادی مانند ایوب و طالوت به‌خوبی حاکی از تأثیر و تأثر میان فرهنگ و ادبیات در این شاهد مثال‌ها می‌باشد.

۷.۲. استعاره

در تعریف استعاره گفته‌اند که این فنّ بلاغی «عبارت است از آن که یکی از دو طرف تشبیه را ذکر و طرف دیگر را اراده کرده باشند» (همایی، ۱۳۷۳: ۲۵۰). در مطالعات ادبی، استعاره را رکن اساسی خلاقیت و نمود ویژه فردیت هنری مؤلف می‌شمارند. سبک‌شناسان نیز استعاره را از مهم‌ترین صورت‌های مجازی می‌دانند و گاه آن را به‌منزله یک سبک رده‌بندی می‌کنند (فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۱۴). استعاره از لحاظ وجود مشبه‌به بر دو نوع است؛ استعاره مصرحه و استعاره مکنیه. استعاره مصرحه آن است که از کل تشبیه فقط «مشبه‌به» بماند. اما هر گاه از ارکان تشبیه، فقط مشبه با یکی از لوازم مشبه‌به بیاید؛ استعاره مکنیه است. که اگر «مشبه‌به» حذف شده، جاندار یا انسان باشد، استعاره مکنیه، «تشخیص» یا «شخصیت‌بخشی» است و اگر «مشبه‌به» حذف شده، جاندار نباشد استعاره، فقط مکنیه است. سایر تقسیم‌بندی‌های استعاره عبارت‌اند از: استعاره اصلیه یعنی هرگاه اسم یا گروه اسمی، استعاره واقع شوند، استعاره را اصلیه می‌گویند و استعاره تبعیه و آن زمانی است که صفت و فعل استعاره شوند. دیگر انواع استعاره عبارت‌اند از: استعاره وفاقیه یعنی استعاره‌ای که گردآوردن و جمع بین مشبه و مشبه‌به در آن ممکن باشد و استعاره عنادیه که عکس وفاقیه است، یعنی آوردن مشبه و مشبه‌به به صورت یک‌جا ممکن نباشد (شمیسا، ۱۳۸۷: ۸۴ - ۸۱). صفارزاده در سروده «سبزه» از استعاره‌ای بسیار زیبا و به‌جا برای بیان مفهوم موردنظر خویش بهره برده و گفته است:

«آن سبزه / کز ضخامت سیمان گذشت / و قشر سنگی را / در کوچه شبانه بابل / تا منتهای پرده بودن / شکافت / آن سبزه زندگانی بود / آن سبزه زندگانی بود / و پای باطل تو / آن پای بویناک / با چکمه‌های کور / آن سبزه را شکست / آن سبزه / رویش آزادی / آن سبزه / آزادی بود» (صفارزاده، ۱۳۸۷: ۱۴۲).

تحلیل: در این نمونه شعری لفظ «پای بویناک» استعاره از حضور دشمن است و غرض از آن تقبیح یعنی زشت جلوه‌دادن چهره دشمن است. از آنجاکه مبارزه با دشمن و تشویق مردم به رویارویی با وی یکی از اغراض بسیار مهم در ادبیات پایداری است، باید گفت صفارزاده به‌خوبی با استفاده از این لفظ استعاری به هدف خود جهت معرفی دشمن به بدترین شکل و نیز تشویق مردم به مبارزه با وی دست یافته است. این استعاره به‌دلیل حذف مستعارله، از نوع استعاره مصرحه یا همان استعاره آشکار است و به‌خوبی مفهوم استعاری را به خواننده منتقل می‌سازد. همچنین باید یادآور شد که این نوع استعاره، وفاقیه نیز هست؛ چراکه امکان دارد بدذات بودن و بدبو بودن پا در شخصیت یک نفر مشهود و ملموس باشد.

وطن در اشعار بشری البستانی از قداست و احترام خاصی برخوردار است. وی شاعری است که توانایی گرفتن شمشیر را ندارد، اما در راستای وطن‌دوستی، با سلاح شعر - که برنده‌تر است - ارکان ظلم و ستم بیگانگان را از بیخ می‌کند و از شعر خود برای تشویق و تشجیع مردم در مقابل ظالمان استفاده می‌کند:

«هَذَا بَلَدٌ آمِنٌ / زَرَعُوا فِيهِ لَهْيِبًا / لَكِنْ ظَلَّ يُقَاوِمُ / زَرَعُوا فِيهِ الْحَنْظَلُ / لَكِنْ طَلَعَ النَّرْجِسُ / كُلُّ الطُّلَّابِ بِدَرَسِ الْمَنْهَجِ / نَحْنُ الْأَعْلَوْنَ» (البستانی، ۲۰۰۲: ۲۳۱).

ترجمه: «این کشوری امن است/ در آن شعله های آتش را کاشتند/ با این حال مقاوم ماند/ در آن درخت حنظل را کاشتند/ با این حال گل نرگس روئید/ دانش آموزان در برنامه درسی خود نوشتند/ ما بالاترین هستیم».

در ابیات فوق، واژه «لهیباً» استعاره از آشوب و خفقانی است که دشمن در جامعه برپا کرده و بشری البستانی نیز همچون طاهره صفارزاده قصد دارد با این بیان استعاری به ترسیم چهره‌ای قبیح از دشمن دست بزند و گامی مهم در بیان یکی دیگر از مفاهیم مقاومت یعنی مبارزه با دشمن بردارد؛ ناگفته نماند که بیان فجایع دشمن و ظلمی که در حق مردم یک سرزمین روا می‌دارد، مقدمه‌ای است که مردم را جهت مبارزه با وی آماده می‌سازد. این استعاره نیز از نوع مصرّحه است؛ زیرا شاعر مستعارمنه یعنی «لهیباً» را ذکر و از آوردن مستعارله صرف‌نظر کرده است و به این ترتیب درک معنا و مفهوم استعاری برای خواننده آسان می‌شود. همچنین در این نمونه شعری واژه «الحنظل» را در معنای استعاری به‌کار برده و آن را استعاره از ظلم و ستم دشمن و نیز سختی‌هایی که هموطنانش به‌خاطر حضور دشمن تحمل می‌کنند، دانسته است. این استعاره نیز از نوع مصرّحه است و با کم‌ترین تلاش ذهنی خواننده را به مقصود اصلی شاعر رهنمون می‌شود. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود شاعر این کاربرد استعاری را نیز به قصد بیان یکی از مفاهیم مقاومت که آشکار کردن چهره و شخصیت پلید دشمن و تحریک مردم برای مبارزه است، آماده می‌سازد.

در این نمونه‌های شعری نیز شاهد نمود بارزی از تأثیر و تأثر فرهنگ و ادبیات هستیم؛ شایان ذکر است که صفارزاده در استعاره‌های به‌کار گرفته در این شاهدمثال تحت‌تأثیر فرهنگ اجتماعی و شرایط خفقان‌بار حاکم بر جامعه خود است و این قضیه را باتوجه‌به واژه آزادی می‌توان درک کرد و در همین راستا شاعر لفظ «سبز» را در معنای استعاری به‌کار برده است. اما بشری البستانی الفاظی همچون «بلد آمن»، «لهیباً»، «الحنظل» و «الأعلون» را در استعارات خود به‌کار برده است و این امر نشان می‌دهد که این شاعر همچنان تحت‌تأثیر فرهنگ دینی می‌باشد و نمود این تأثیر و تأثر برای افرادی که با قرآن کریم انس و الفت دارند، به‌خوبی مشهود می‌باشد.

۷.۳. کنایه

کنایه به معنای «پوشیده سخن گفتن» است و در اصطلاح، وقتی سخنی دو معنای قریب و بعید داشته باشد و این دو معنا لازم و ملزوم یکدیگر باشند، گوینده آن جمله را چنان ترکیب کند و به‌کار برد که ذهن شنونده از معنی نزدیک به دور منتقل شود (همایی، ۱۳۷۳: ۲۵۵)؛ به‌عبارت دیگر، کنایه ایراد لفظ و اراده معنی غیرحقیقی آن است، به‌گونه‌ای که بتوان معنی حقیقی آن را نیز اراده کرد (تجلیل، ۱۳۶۹: ۸۴). دانشمندان علم بیان به اعتبار اینکه واسطه‌های میان معنای اولیه و معنای موردنظر آشکار باشد یا مخفی، کنایه را به چهار نوع تقسیم کرده‌اند. تلویح، یا همان کنایه‌ای که واسطه میان معنی اول و دوم در آن متعدد و فهم کنایه دشوار باشد. رمز آن است که واسطه معنای اول و معنای موردنظر اندک، اما کنایه مخفی و دیریاب است. ایما و اشاره آن است که واسطه میان معنای نخستین و معنای موردنظر اندک و معنای کنایی هم آشکار باشد. تعریض همان کنایه‌ای است در نکوهش، ریشخند و یا همان گوشه‌زدن (کزازی، ۱۳۶۸: ۱۶۵ - ۱۷۰).

بشری البستانی در یکی از مجموعه‌های شعری خود چنین سروده است:

«وَبَيْتِي كَانَ عَلَى وَشَكِّ النَّوْمِ / الْيَاسَمِينَ غَفَا... السَّرُّوْ كَانَ سَيَغْفُو / وَفَزَّ الْحَنِينُ إِلَى نَخْلِ أَهْلِي / لِضَرْبِ الرِّقَابِ / وَشَدَّ
الْوُثَاقِ / لِضَرْبِ بِلَا فِدْيَةٍ / فَمَتَى تَضَعُ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا / عُشْبُهَا فِي الْعَيُونِ ثَوَى مَأْوَهُ / عُشْبُهَا فِي ظُهُورِ الْخِيُولِ.» (البستانی،
۲۰۱۱: ۳۴۰)

ترجمه: «و خانه‌ام در آستانه خواب به‌سر می‌برد/ یاسمن چرت می‌ند... سرو به خواب خواهد رفت/ و آه و ناله به سوی
نخل خانواده‌ام پرکشید و رمید/ به خاطر زدن گردن/ و بستن دستان به زنجیر/ و شکنجه بدون دادن فدیة/ چه زمانی
جنگ بار سنگینش را می‌گذارد؟/ علف‌های جنگ در میان چشمه‌ها آب خود را ریخته است/ علف‌هایش در پشت اسبان
می‌باشد».

تحلیل: در ابیات فوق چندین تعبیر کنایی به چشم می‌خورد از جمله: «وَبَيْتِي كَانَ عَلَى وَشَكِّ النَّوْمِ» که در این مصراع
مفهوم در آستانه خراب‌بودن کنایه از ویرانی است. همچنین در مصراع «الْيَاسَمِينَ غَفَا... السَّرُّوْ كَانَ سَيَغْفُو» این عبارت
نیز از باب کنایه بر معنا و مفهوم غفلت و سرسپردگی مردم دلالت دارد. همچنین تعبیر «فَمَتَى تَضَعُ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا»
کنایه از پایان یافتن جنگ است. در توضیح و تعیین نوع کنایه‌های مذکور باید گفت همه آن‌ها از نوع تلویح هستند؛
زیرا درک معنای کنایی در آن‌ها با دشواری همراه است و خواننده یا شنونده باید پس از تأمل و تعمق فراوان، منظور
اصلی شاعر را درک کند. شایان ذکر است که علت آوردن کنایات مذکور در قالب تلویح آن است که شاعر به خاطر
خفقان حاکم بر جامعه مجبور بود سخن خود را در لفافه و با واسطه‌های فراوانی ذکر کند. نکته جالب توجه در این سه
کنایه آن است که آن‌ها نیز در راستای مفاهیم مقاومت و پایداری ذکر شده‌اند و بهترین دستاویز برای بیان مقصود این
شاعر آزادی‌خواه هستند.

وی در جای دیگری از مفاهیم کنایی استفاده کرده و چنین سروده است:

«الْجَنَرَالَاتُ الْأَمْرِيكَانُ / سَرَقُوا مِلْيَارِي دُولَارٍ / ثَمَنًا لِلْأَعْمَارِ / بِعِرَاقٍ لَا يَمْلِكُ (شیت) دَوَاءٍ وَاحِدٍ / لِأَتْنِينَ الْأَنْقَاضِ وَ أَوْرَامِ
الْأَسْلَاقِ / وَ لَا حُفْنَةً نُّورٍ لِلظُّلُمَاتِ، الْجَنَرَالَاتُ الْأَمْرِيكَانُ / فَرَّوْا بِجُلُودِ الْقِرْصَانِ (البستانی، ۲۰۱۱: ۲۳۶).

ترجمه: «ژنرال‌های آمریکایی/ میلیارد‌ها دلار را به سرقت بردند/ بهای آبادانی/ در عراقی که جرعه‌ای از یک دارو را
ندارد/ برای ناله و زاری ویرانه‌ها و برآمدگی‌های سیم خاردار/ و نه یک مشت نور برای تاریکی‌ها، ژنرال‌های آمریکایی/
با لباس‌های دزدان دریایی فرار کردند».

تحلیل: در این نمونه‌ی شعری بشری البستانی به ژنرال‌های آمریکایی گوشه و کنایه‌های فراوانی می‌زند که در حال
سرقت اموال این سرزمین هستند و بسیاری از مسئولان خود عراق نیز در حال همکاری با آن‌ها هستند. این کنایه از
نوع تعریض است؛ زیرا شاعر قصد دارد به آن‌ها طعنه بزند و به این ترتیب اندکی سخریه را نیز چاشنی سخن خود کند.
در اینجا نیز شاعر از این فن بلاغی در راستای بیان مفاهیم مقاومت و پایداری استفاده کرده است و بدین وسیله تأثیر

سخن خود را بسیار بالا برده و دشمن را تحقیر کرده است. طاهره صفارزاده نیز از فن کنایه برای ساختن تصاویر بلاغی بسیار استفاده کرده است؛ به‌ویژه آنجا که می‌گوید:

«در این حکومت شب/ در این حکومت نظامی شب/ تو روز را از انهدام نگه می‌داری/ سلام بر تو/ که بیداری/ و آن که بیدار است/ برمی‌خیزد/ به عاشورا می‌پیوندد/ و آن که می‌پیوندد/ رها می‌شود (صفارزاده، ۱۳۵۷: ۴۸).

تحلیل: در نمونه فوق، عبارت نخستین کنایه از ظلم و جنگ و آشوب و استبداد همیشگی در سرزمین است؛ این کنایه از نوع رمز می‌باشد؛ زیرا درک این مفهوم که حکومت کردن شب دال بر مفهوم ظلم و جنگ و آشوب است، واسطه‌های کمی دارد و با اندکی تأمل می‌توان آن را درک کرد. هنر شاعر در این مجال این است که به‌خوبی از فن کنایه استفاده کرده و با خلق یک تصویر بلاغی بسیار زیبا و دقیق، مفهوم موردنظر خود یعنی پرده‌برداری از حکومت دشمن ظالم که زیرمجموعه مقاومت و پایداری است را بیان کند.

وی در جای دیگری نیز به‌خوبی از فن کنایه کمک می‌گیرد تا مفهوم موردنظر خود را بیان کند؛ آنجا که می‌سراید:

«در باغ‌هایمان/ جان جوانه‌ها را/ از اشتیاق رویش خالی کردند/ و ما با دستمزد خویش/ کالا فروش دگه بیگانگان شدیم/ و خادمین جشن‌های رسمی گانگسترها/ و خانه مان انبار اسلحه دشمن بود/ ما خواب بودیم/ ما بیش از آن در خواب بودیم/ که همه پای دزدان/ دزدان داخلی و خارجی/ بیدارمان کند» (صفارزاده، ۱۳۸۴: ۳۱).

تحلیل: نمونه شعری بالا کنایه از سرسپردگی است. این مفهوم بسیار سبب رنجش شاعر شده است؛ زیرا او به‌عنوان یکی از افراد فرهیخته و روشنفکر جامعه هرگز مایل نیست که مردم سرزمینش دست‌نشانده و سرسپرده دشمنان باشند و با بیان این امر قصد دارد آن‌ها را به آزادی و عزت‌نفس دعوت کند تا موجبات رهایی تمام مظلومان را فراهم سازند. شایان ذکر است که عبارات کنایی فوق از نوع رمز هستند؛ زیرا خواننده یا شنونده با اندکی تأمل می‌تواند این مفهوم را درک کند. این نمونه شعری نیز همانند نمونه‌های پیشین در خدمت بیان مفاهیم مقاومت و پایداری یعنی تشویق مردم به داشتن عزت‌نفس و در نهایت آماده‌شدن برای مبارزه با دشمن و رسیدن به آزادی است.

با تأمل در نمونه‌های شعری مذکور این‌گونه برداشت می‌شود که هر دو شاعر به‌شدت تحت‌تأثیر فرهنگ اجتماعی موجود در کشور خود هستند و تعابیر کنایی آن‌ها همگی با تأثیرپذیری از خفقان شدید، فقر فرهنگی و مشکلات اقتصادی موجود در ایران و عراق می‌باشد. در یک کلام باید گفت که شاعران و نویسندگان در خلق آثار ادبی خویش آگاهانه و یا ناخودآگاه از فرهنگ‌های مختلف اعم از فرهنگ اجتماعی یا سیاسی و یا اقتصادی تأثیر می‌گیرند و این تأثیرپذیری در موضوعات، ساختارها و الفاظ و تعابیر موجود در آثار آن‌ها دیده می‌شود و همین امر سبب می‌گردد که به‌عنوان قشری روشنفکر در جامعه شناخته شوند و آثار آن‌ها به‌خوبی از سوی مردم مورد پذیرش واقع گردد.

نتیجه‌گیری

تأثیر فرهنگ بر ادبیات به دلالت‌های معرفت‌شناختی نیز مربوط می‌شود. به این معنا که ادبیات می‌تواند به درک عمیق‌تری از فرهنگ کمک کند و برعکس، فرهنگ می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری مضامین و سبک‌های ادبی خاص باشد. ادبیات نیز به‌نوبه خود تأثیرات عمیقی بر فرهنگ دارد. این تأثیرات می‌توانند شامل تغییر در نگرش‌ها، ارزش‌ها و حتی رفتارهای اجتماعی باشند. ادبیات می‌تواند به‌عنوان یک وسیله انتقادی عمل کند و به چالش کشیدن نهادها و باورهای فرهنگی کمک کند. به این ترتیب، ادبیات می‌تواند به تحول و پیشرفت فرهنگی منجر شود و در یک کلام رابطه بین ادبیات و فرهنگ یک رابطه پویا و متقابل است که به شکل‌گیری و تحول هر دو حوزه کمک می‌کند. پس از بررسی دیوان شعری بشری البستانی و طاهره صفارزاده مشخص شد که این دو شاعر بخش عظیمی از اشعار خود را پیرامون مفهوم مقاومت و مؤلفه‌های مربوط به آن سروده‌اند و از فنون علم بیان نیز در این روند کمک گرفته‌اند. مهم‌ترین فنون بیانی مورد استفاده این دو شاعر در بیان مفهوم پایداری و مقاومت می‌توان صور بلاغی مرکب یعنی تشبیه و استعاره و کنایه اشاره کرد. از میان تشبیه‌ها، تشبیه بلیغ به‌دلیل بار تأکیدی فراوان، بیشترین بسامد را در اشعار آن‌ها دارد و از میان استعاره‌ها، استعاره‌ی مصرّحه به‌دلیل صراحت و نیاز دو شاعره بیان اعمال ظالمانه دشمن و پرده‌برداشتن از اوضاع خفقان‌بار جامعه در شعر این دو شاعر پرکاربردتر است. همچنین فن کنایه نیز بسیار مورد توجه دو شاعر بوده است؛ به‌طوری‌که هر دو با استفاده از این فن به خلق صور بلاغی نیکویی پرداختند و همچون تشبیه و استعاره، از فن کنایه نیز در جهت بیان مفاهیم مرتبط با ادبیات مقاومت استفاده کردند تا با تأکید بیشتری مردم را به تلاش برای مبارزه با دشمن و رسیدن به آزادی تشویق کنند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ:

کتاب‌ها

- البستانی، بشری. (۲۰۰۱م). ما ترکته الريح. دمشق: منشورات اتحاد الکتاب العرب.
- _____، _____. (۲۰۰۲م). مکابدات الشجر. بغداد: وزارة الثقافة.
- _____، _____. (۲۰۱۱م). الأعمال الكاملة لبشری البستانی. بغداد: منشورات جامعة موصل.
- _____، _____. (۲۰۱۲م). خماسية المحنة. عمان: دارالنشر.
- تجليل، جليل. (۱۳۶۹). بيان در شعر فارسی. تهران: برگ.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). لغتنامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رفیعی، محمدعلی. (۱۳۸۶). بیدارگری در علم و هنر. شناخت‌نامه طاهره صفارزاده. تهران: انتشارات هنر بیداری.
- سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۰). نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس. دوره ۳ جلدی، تهران: انتشارات پالیزان.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۷). بیان. تهران: نشر میترا.
- صفارزاده، طاهره. (۱۳۵۷). حرکت و دیروز. تهران: انتشارات رواق.
- _____، _____. (۱۳۸۴). روشنگران راه، تهران: انتشارات برگ زیتون.
- _____، _____. (۱۳۸۷). طنین بیداری. تهران: نشر نگاه.
- غنیمی هلال، محمد. (۱۳۷۵). ادبیات تطبیقی. ترجمه: سید مرتضی آیت‌الله زاده شیرازی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فتوحی، محمود. (۱۳۹۰). سبک‌شناسی (نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها). تهران: سخن.
- کاکایی، عبدالجبار. (۱۳۸۰). بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان. تهران: انتشارات پالیزان.
- کزازی، جلال‌الدین. (۱۳۶۸). زیبایی‌شناسی سخن پارسی (۱). تهران: نشر مرکز.
- ولک، رنه؛ آوستن، وارن. (۱۳۷۳). نظریه ادبیات. ترجمه: ضیاءالدین موحد و پرویز مهاجر، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- همایی، جلال‌الدین. (۱۳۷۳). فنون بلاغت و صناعات ادبی. چاپ نهم، تهران: نشر فرهنگ.